

احیای کشاورزی

(شامل ۱۰ مورد مراحل مختلف کشت برنج - در خصوص
اینکه چرا در فرآورده های کشاورزی سیر نزولی داشتیم ؟
کشاورزی سنتی و مدرن و موانع پیشرفت و خودکفایی و
راههای تقویت و افزایش تولید مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته
است.)

محقق و نویسنده:

محمود مقدسی بهمدانی

سرنامه	: مقدس بهدانی، محمود ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور	: احیای کشاورزی شامل ۱۰ مورد مراحل مختلف کشت برنج... / مطلق و نویسنده محمود مطلق بهدانی
مشخصات نشر	: لاهیجان رستم و سهراب، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ ص. - ۱ محور
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۵-۰۰۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	: آلبا
بازداشت	: کتابخانه
موضوع	: کشاورزی - مسائل متفرقه
موضوع	: کشاورزی - ایران
موضوع	: کشاورزی - ایران - مطالعات و خطبه‌ها
رده بندی کنگره	: ۵۵۲۷/۱۳۹۰۳
رده بندی دیویی	: ۶۳۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۴۹۰۳



احیای کشاورزی

محقق و نویسنده: محمود مقدس بهدانی

ناشر: رستم و سهراب

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۰

حروف چینی و چاپ: زیتون

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۵-۰۰۰-۱



انتشارات رستم و سهراب

لاهیجان، کوی سردار جنگل (زمانی) بالاتر از شهرک فرهنگیان، بلوار ۳۵ متروی

تلفن پخش: ۰۹۳۵۴۹۲۳۳۳۹ - همراه: ۰۹۱۱۸۴۳۸۳۰۹

فهرست

- ۱- مقدمه ۴
- ۲- زمان آغاز کشت نابره برداری برنج ۹
- ۳- احیاء زمین ادامه حیات بود ۲۱
- ۴- آیات و احادیث و روایات ۲۵
- ۵- مال الاجاره ۲۶
- ۶- کشاورزی مکانیزه ۳۳
- ۷- علت تعطیلی برخی از فعالیت های کشاورزی ۴۰
- ۸- قهوه خانه ها عامل رکود در امر کشاورزی ۴۷
- ۹- تسطیح اراضی و یک پارچه سازی ۵۳
- ۱۰- روش منطقی سم پاشی ۵۸
- ۱۱- مراقبت ویژه (سرکشی مستمر) ۶۱



(مقدمه)

در ایام قدیم راه‌های امرار معاش با حالا فرق اساسی داشت و تقریباً ۹۰ درصد مردم وقتی که به سن کار می‌رسیدند شغلشان همان شغل پدر بود و زمینه اشتغال نیز توسط پدر برای جوان مهیا می‌شد و متناسب با وضعیت جسمی در حد توان خود به امر کار و تلاش برای امرار معاش می‌پرداختند.

به عنوان مثال فرزند کفاش از همان کودکی که در کنار حجره پدرش ضمن نظافت و نگهداری مغازه کارهای پدر را می‌آموخت و وقتی که به سن نوجوانی می‌رسید برای خود (اسا کار) بود و بدون نیاز به کمک پدر کار کفاشی را با دقت انجام می‌داد و اگر وضع مالی پدر اجازه می‌داد و یا پسر اهل پس انداز بود برای خود حجره تهیه می‌کرد و مستقل می‌شد و از لحاظ اقتصادی مشکلی نداشت.

یا دختر خانمها در امر حصیر بافی و گلیم بافی یا خیاطی با چرخ و دست و پخت نان و آشپزی و سایر کارهای کشاورزی مثل گله داری و شیردوشی و نشاکاری همانند مرد خانه تلاش می کردند و کارها را متناسب با وضعیت جسمی خود یاد می گرفتند و سر بار خانواده نبودند

هر تعداد اولاد بیشتر بود امکانات بیشتری بکارگرفته می شد و هیچ کس کمبود امکانات نداشت.

یعنی هر سال که اراده می کرد سطح زیر کشت جو-برنج گندم درخت خرما یا انواع میوه را توسعه دهد مشکلی وجود نداشت و زمین های بلا استفاده که معمولا بصورت جنگلی و بایر بود فراوان در اطراف منزل مسکونی آنها وجود داشت و کشاورز با کمک فرزندان آنها را آباد و کشت می کرد و منتظر کار نبود که مثلا دولت برای ما کار ایجاد کند و اصولا دولتی به شکل فعلی نبود و اگر حاکمیتی بود فقط در زمینه اخذ خراج یا مالیات یا زکات از مردم اقدام می شد..

در مناطق روستایی با بده بستان مامور حکومت و گدخدای ده با اندکی وجه نقد به کد خدا جوان به سر بازی اعزام نمی شد و مثل امروز نیست که

اگر جوان مدت سربازی را طی نکند حق کار حتی در موسسات خصوصی و خرید و فروش ملک در دفاتر و اسناد رسمی را ندارد یا نمی تواند پاسپورت (گذر نامه) برای خارج از کشور بگیرد تا نیاز به پایان خدمت و معافی داشته باشد و اصولاً خارج رفتن آنها هم فقط جنبه زیارتی داشت آن هم رسم بوده افراد سن بالای ۵۰ سال به مکه می رفتند نه مثل حالا که جوانان و حتی کودکان نیز اعزام می شوند و حاجی یا حاجیه هستند.

هیچ مأمور دولتی بدون اجازه کد خدا حق سر بازگیری را نداشت مگر اینکه قصد جنگی با خارج را داشتند یا می خواستند در مقابل دشمن خارجی از خود دفاع کنند که در این صورت کد خدا را توجیه می کردند و او هم در امر سر بازگیری و معرفی جوانان با حکومت همکاری می کرد.

۲ نفر از برادران نگارنده بدون رفتن به سربازی در سال های ۱۳۳۶ و ۱۳۴۰ از رفتن به سربازی با پرداخت ۲۰۰ تومان یا ۲۰۰۰ ریال معاف شدند (قیمت هر کیلو برنج ۲۰ ریال بود) یعنی با تحویل ۱۰۰ کیلو گرم برنج معاف می شدند و تا زمان قاجاریه هم کسی درس کلاسیک نمی خواند و اصولاً مجاز نبودند مدرسه بروند.

داستان درس خواندن امیر کبیر معروف وزیر ناصرالدین شاه را حتما شنیدید یا خواندید که او چطوری درس خواند. چون پسر آشپز باشی بود حق شرکت در کلاس درس فرزندان پادشاه و درباریان را نداشت و هنگام شروع کلاس مخفیانه پشت درب گوش می ایستاد و درس را از آقازاده ها هم بهتر بلد بود و مطالب را درک می کرد.

کشاورز با دستگاه آهنی دست ساز وبا کمک حیوان گاو یا اسب زمین را شخم می زد و پدر می باسید و رزق و روزی خود و عیالش را از دل خاک با یاری خداوند متعال تهیه می کرد.

در این میان فقط ارباب ها مزاحم بودند و بخش قابل توجهی از محصول برداشت شده را مطالبه می کردند. که الحمد لیلہ آنها هم حداقل در استان گیلان وجود خارجی ندارند و زارع ارباب خود است.

بس چرا محصول خوبی برداشت نمی شود و ۹۰ درصد کشاورزان از شغل خود راضی نیستند. در این مرقومه مورد بحث و تجزیه تحلیل قرار گرفته و به صورت اختصار در کتابی تحت عنوان احیای کشاورزی تقدیم میشود.

تا باشد حرکتی جهاد گونه در راستای خواست رهبر معظم انقلاب (امام
خامنه ای) که سال ۹۰ را سال جهاد اقتصادی نامگذاری کردند با عملیاتی
کردن مراحل کاشت و داشت و برداشت برنج این قوت اصلی اکثر مردم
دنیا (محصول استراتژیک) جهت خود کفایی گام اساسی برداشته و از وارد
کردن آن از ممالک اجنبی که معلوم نیست تولید کنندگان محصول
خدا بیاورند یا ضد خدا ممانعت به عمل آید و در این راستا به مشرکان کمک
نشود انشاء...

با تشکر

محمود مقدسی بهمدانی